

واکاوی اثرات تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی در نوسازی محلات قدیمی شهر (مورد: محله دربنو گرگان)

محمد میرزاعلی: دانش‌آموخته معماری و دکتری جغرافیا، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

m.mirzaali63@gmail.com

محمد کریمی: کارشناس ارشد معماری، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران.

karimi.m7663@gmail.com

نازنین ساسانی: دانش‌آموخته معماری، دانشگاه پیام نور، گنبدکاووس، ایران.

Nazaninsasani2000@gmail.com

چکیده

محلات قدیمی سکونت‌گاه‌های شهری به مثابه تاریخ فرهنگی شهر و ساکنین آن بوده که با گذشت زمان و تحت تأثیر جریان‌ها و تحولات اقلیمی - محیطی، اجتماعی و اقتصادی به تدریج دستخوش تغییرات و فرسودگی شده که ضرورت نیاز به نوسازی و بهسازی آنها احساس گردیده است. از سویی، آنچه در باب این مداخلات بافت و کالبد شهری حائز اهمیت است، ضرورت توجه به امر مشارکت شهروندان است. چراکه در این رابطه باید توجه شود که هرگونه مداخله در بافت‌های شهری بدون مشارکت ساکنان به نتیجه نمی‌رسد. در این میان، مشارکت بعنوان یک عامل مهم در توسعه شهری، خود متأثر از عوامل دیگری از جمله حس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی است. در بین دارایی‌های یک جامعه، حس تعلق مکانی شهروندان و سرمایه اجتماعی از اهمیت خاصی برخوردار بوده و می‌تواند محرک توسعه محله یا شهر باشد. زیرا این دو دارایی باعث می‌شود شهروندان، سایر سرمایه‌ها از جمله سرمایه‌های فکری و مالی خود را جهت ترقی محیط زندگی‌شان وارد عرصه کنند. از این‌رو در پژوهش حاضر تلاش گردیده تا میزان این حس تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی ساکنان در محله قدیمی دربنو شهر گرگان مورد ارزیابی و سنجش قرار گیرد و نقش این متغیرها بر میزان مشارکت ساکنان در توسعه و نوسازی محله مورد واکاوی قرار گیرد. این پژوهش از نوع کاربردی و با رویکرد توصیفی - تحلیلی انجام پذیرفته که جهت گردآوری داده‌ها از روش اسنادی و میدانی (پرسشنامه و مصاحبه) استفاده شده است. ضریب پایایی ابزار پرسشنامه حدود ۰/۹ بوده و حجم نمونه آماری ۱۲۰ نفر از سرپرستان خانوارهای ساکن در محله قدیمی دربنو شهر گرگان می‌باشد. نتایج کلی تحقیق نشان می‌دهد که سطح سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی در محله مورد مطالعه بالاتر از حد متوسط بوده و این دو متغیر اثرات معناداری بر میزان مشارکت ساکنان در برنامه‌های بهسازی و نوسازی این محله دارد.

واژگان کلیدی: محلات قدیمی، تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی، نوسازی مشارکتی، محله دربنو گرگان.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- مقدمه

گفته می‌شود که دهه ۱۹۸۰ میلادی، نقطه آغاز بازسازی شهری گسترده بوده است. با تغییر روش تولید از فوردیست به سیستم پست‌فوردیست، ساختارهای شغلی نیز دچار تغییر شدند. تغییر در سبک زندگی و اولویت‌های فرهنگی، تا حدی در خرید و بازسازی خانه‌های قدیمی به‌ویژه در داخل شهر، منعکس شده است. تغییرات در فناوری ارتباطات، ایجاد جامعه‌ای اطلاعاتی موجب شروع تغییرات در ساختار فضایی شهرها شد (میرزاعلی و همکاران، ۱۳۹۵، ۱۴۱). با گذشت زمان، امروزه بسیاری از شهرهای در حال توسعه به دلیل ماهیت پویای خود و نیز درگیر بودن با مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، مدیریتی و... همواره در مسیر رشد و توسعه خود با مسائل و تنگناهای جدیدی روبرو می‌شوند. یکی از مواردی که دیر زمانی است توجه بسیاری از صاحب‌نظران و مدیران شهری کشور را به خود معطوف کرده، وجود معضلی به نام "بافت فرسوده و محلات قدیمی شهر" است (همانجا، ۱۳۵). در این میان، محلات قدیمی شهرها بعنوان بخشی از گذشته شهر و ساکنان آن است که طی زمان و تحت تاثیر جریانات طبیعی، اجتماعی و اقتصادی به تدریج دچار تغییر و فرسودگی گردیده و ضرورت بازسازی و نوسازی آنها در طول ادوار مختلف احساس گردیده است (مرادقلی، ۱۳۹۲، ۲). بافت‌ها و محلات قدیمی و فرسوده شهری در طی فرآیند زمانی طولانی مدت شکل گرفته و تکوین یافته ولی امروزه در محاصره تکنولوژی عصر حاضر و توسعه روزافزون شهری نوگرا گرفتار شده است. اگرچه این بافت‌ها و محلات در گذشته به اقتضای زمان دارای عملکردهای منطقی و سلسله مراتبی بوده ولی امروزه از لحاظ ساختاری و عملکردی دچار کمبودهایی شده و آن‌گونه که باید و شاید نمی‌تواند جوابگوی نیازهای ساکنین خود باشد (همانجا، ۳).

بر این اساس، یکی از ضرورت‌های مهم شهرهای امروزی و شهرنشینی عصر حاضر، بهسازی و نوسازی این بافت‌ها و محلات شهری است. اما نکته‌ای که در حوزه مداخله در بافت‌ها و محلات شهری بسیار حائز اهمیت است، امر مشارکت مردمی است. در این رابطه باید توجه شود که هرگونه مداخله در بافت‌ها و محلات زنده شهری بدون مشارکت ساکنان به نتیجه نمی‌رسد (عربی و انتظار یزدی، ۱۳۸۹). چراکه در فرآیند مشارکت، برنامه‌ها با نظرات و پیشنهادهای ساکنان منطبق است و از این‌رو برنامه‌ها واقع بینانه تر است. مشارکت بعنوان یک عامل مهم در توسعه خود متاثر از عوامل دیگری است؛ از جمله متغیرهای موثر در مشارکت شهروندان می‌توان به تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی اشاره نمود. دل‌بستگی به مکان زندگی و احساس تعلق به آن در افراد این انگیزه و احساس مسئولیت را ایجاد می‌کند که جهت بهبود همه جانبه محیط سکونت تلاش نمایند، از این‌رو احساس تعلق مکانی و به دنبال آن مشارکت می‌تواند اجرای برنامه‌های مختلف اجتماعی، اقتصادی را در اجتماع محلی با توفیق چشمگیر همراه کند و کیفیت زندگی را بهبود بخشد (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰، ۶). نکته مهم دیگر در جهت دخیل نمودن مردم در روند توسعه شهری و بالاخص توسعه محله‌ای توجه نمودن به اعتماد و تعامل متقابل بین ساکنان و همچنین بین آنها و مدیریت شهری است. مقوله‌ای که از آن تحت عنوان سرمایه اجتماعی جامعه یاد می‌شود. اهمیت موضوع سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه یافتگی تا حدی است که می‌توان آنرا در شکوفایی تمام جوامع توسعه یافته و شهرهایی که در صدر توسعه یافتگی قرار دارند به‌طور آشکار مشاهده کرد (شکوه‌فر و شعبانجولا، ۱۳۹۰، ۲).

در این میان، بسیاری از محلات قدیمی، از جمله محله دربنو شهر گرگان نیازمند بهسازی و نوسازی هستند تا بتوانند شرایط مناسب برای تداوم سکونت را برای ساکنان خود فراهم سازد. از این‌رو لازم است متغیرهای تسهیل‌کننده چنین فرآیندی مورد بررسی و تحلیل قرار گیرند. در بین مولفه‌های تسهیل‌کننده، تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی نقش مهمی دارند و در افزایش تمایل شهروندان جهت مشارکت در برنامه‌ها، عاملی مهم تلقی می‌شود. این دو مولفه می‌تواند باعث شود که شهروندان با میل خود جهت توسعه محله سرمایه‌گذاری و با نهادهای مربوطه همکاری نمایند. با توجه به اهمیت وافر این متغیرها، ضرورت دارد که پژوهشی در زمینه بررسی وضعیت این متغیرها و میزان تاثیرگذاری آنها بر نوسازی مشارکتی در محلات قدیمی، از جمله در قلمرو مکانی تحقیق حاضر انجام پذیرد. لذا هدف پژوهش حاضر بررسی تاثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی (بعنوان دو دارایی مهم اجتماعات محلی) بر مشارکت شهروندان در نوسازی محلات قدیمی است. نمونه مورد مطالعه در این پژوهش، «محله دربنو» است که در بافت مرکزی شهر گرگان واقع شده است. در این تحقیق ابتدا تاثیر تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی و سپس تاثیر این دو متغیر بر تمایل ساکنان جهت نوسازی محله مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. بر این اساس مقاله حاضر تلاش می‌کند تا سه فرضیه اصلی ذیل را مورد تحلیل و آزمون قرار دهد که عبارتند از:

- ۱) به نظر می‌رسد تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی در محله دربنو شهر گرگان تاثیر معنادار دارد.
- ۲) به نظر می‌رسد سرمایه اجتماعی بر میزان تمایل ساکنین جهت مشارکت در بهسازی و نوسازی محله دربنو تاثیر معنادار دارد.
- ۳) به نظر می‌رسد تعلق مکانی بر میزان تمایل ساکنین جهت مشارکت در بهسازی و نوسازی محله دربنو شهر گرگان تاثیر معنادار دارد.

۲- پیشینه و سوابق موضوعی پژوهش

طی سالیان گذشته همواره جغرافیدانان انسان‌گرا، معماران و روان‌شناسان محیطی ارتباط هیجانی با مکان‌ها را مورد مطالعه قرار داده‌اند که از میان این آثار ارزشمند، ذیلاً به بررسی تعدادی معدودی از آنها پرداخته می‌شود؛

در مقیاس جهانی؛ کار کلاسیک توان (۱۹۷۴-۱۹۷۷) تقریباً اولین اثر در زمینه بررسی راه‌هایی که مردم تعلق معنایی با مکان می‌یابند، بود. او می‌گوید آنچه که بعنوان فضای نامتمایز شروع می‌شود در مکان رشد می‌یابد بطوریکه ما مکان‌ها را بهتر می‌شناسیم و به آنها ارزش می‌بخشیم. بنابراین مکان‌ها معانی عمیق را از طریق رشد به هم پیوسته مداوم احساسات و تجربیات در خود انباشته می‌کنند. از اولین نوشته‌ها در این زمینه، تنوعی از مفاهیم و مدل‌ها در روان‌شناسی محیطی اجتماع محلی در جهت جستجوی بیشتر ارتباطات هیجانی با مکان مخصوصاً با توجه به مفهوم تعلق مکانی گسترش یافته است (Manzo & Parkins, 2006, 337). بروکاتو (۲۰۰۶) در پایان‌نامه تحصیلی خود، ارتباط بین کیفیت و میزان رضایت از خدمات را با متغیر تعلق مکانی مورد بحث قرار داده است. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که عوامل محیطی، کیفیت و سطح رضایت از خدمات در میزان تعلق مکانی افراد تاثیرگذار است (Brocato, 2006). پیتون (۲۰۰۳) نیز در پایان‌نامه خود تاثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی را بر عملکرد مدنی در ارتباط با حفظ و مدیریت منابع طبیعی مورد مطالعه قرار داده است. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که ارتباط معناداری بین تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی و عملکرد مدنی در ارتباط با حفظ و مدیریت منابع طبیعی وجود دارد. از این‌رو مدیران می‌توانند با توجه به تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بازدیدکنندگان و استفاده‌کنندگان از محیط‌های طبیعی در جهت طراحی برنامه‌های مشارکتی شهروندی بهره ببرند (Payton, 2003, 1&83).

در مقیاس داخلی؛ شکونی و تبریزی (۱۳۸۲) با ارزیابی تاثیر نوسازی شهرسازی فن‌گرا بر ایجاد حس لامکانی چنین نتیجه‌گیری کرده‌اند که برنامه‌ریزی فن‌گرا در ایجاد حس لامکانی موثر است. از نظر آنان چنانچه برنامه‌ریزی صورت گرفته غیر فن‌سالارانه و مشارکتی بوده و روابط و ارتباطات اجتماعی و محلی را تحکیم و مردم ساکن را به اقامتی بیش از پنج سال ترغیب کند می‌تواند به جای ایجاد حس لامکانی، محیطی مانوس و مطلوب فراهم آورد و حس تعلق مکانی را تقویت کند. رفیعیان و سیفبایی (۱۳۸۴) با بررسی فضاهای عمومی شهری تحت مقوله بازنگری و ارزیابی کیفی آن، نتیجه‌گیری کرده‌اند که ارتقاء کیفیت فضاهای عمومی شهری جهت ایجاد سرمایه اجتماعی و تقویت یکپارچگی جامعه، امری ضروری تلقی می‌گردد. در مطالعه‌های دیگر رابطه‌ی بین سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات شهر قوچان توسط ذکایی و روشنفکر (۱۳۸۵) در دو سطح تحلیل خرد (فردی) و کلان (منطقه شهری) مورد بررسی قرار گرفت. نتایج تحقیق بیانگر این است که سطح سرمایه اجتماعی در دو بعد ذهنی و ساختی با سطوح سرمایه‌ی کالبدی ارتباط مستقیم دارد. سرمایه اجتماعی همچنین با دوام شبکه‌های روابط محلی و همسایگی، طول مدت اقامت شهری و جابه‌جایی درون شهری و نیز سرمایه انسانی در مناطق مختلف شهری ارتباط نشان می‌دهد. غیاثوند (۱۳۸۸) نیز در مقاله‌ای به ارزیابی تاثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری پرداخته و با بررسی ارتباط متغیرهایی چون رضایت کلی از محله و احساس علاقه به محله با میزان سرمایه اجتماعی اینگونه نتیجه گرفته است که بین این دو متغیر رابطه مثبتی برقرار است. وارثی و همکاران (۱۳۸۹) با بررسی و تحلیل مولفه‌های هویت شهری و رابطه آن با میزان تعلق مکانی ساکنین شهر جدید گلپه‌هار، ضمن اثبات تاثیر گذر زمان بر هویت بخشی به ساکنان نتیجه‌گیری می‌نمایند که بین دو متغیر هویت شهری و تعلق مکانی ساکنین همبستگی متوسط و مستقیم برقرار است.

حیاتی (۱۳۸۹) در پایان‌نامه خود به ارزیابی مؤلفه‌های هویت بخش محلات شهری در محله اوین تهران پرداخته وی در این تحقیق علاوه بر ارزیابی مقوله هویت از ابعاد مختلف، رابطه آن با مشارکت اجتماعی رانیز مورد توجه قرار داده است. پژوهش به این نتیجه رسیده است که بین هویت شهری و میزان مشارکت رابطه معنادار و مثبت است. ربانی و حبیبی (۱۳۹۰) نیز در مقاله خود با تحلیل نقش فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی به این نتیجه رسیده‌اند که میزان سرمایه اجتماعی با توجه به وضعیت کیفی متفاوت فضاهای شهری به صورت معناداری متفاوت است. به گونه‌ای که هر چه شاخص‌های فضاهای شهری بهبود یابد میانگین سرمایه اجتماعی نیز افزایش پیدا می‌کند و بالعکس. محسنی تبریزی نیز در تحقیقی به این نتیجه رسیده است که سرمایه اجتماعی بر توسعه شهری در شهر محلات تاثیر گذار بوده است.

ادوارد رلف (۱۳۹۰) نیز در کتاب مکان و حس لامکانی که در اصل رساله دکتری اوست و جزو نخستین آثار انتقادی پست مدرنیسم در زمینه جغرافیای انسانی و برنامه‌ریزی شهری و کالبدی است به طور ویژه بحث حس مکان را مورد بحث قرار داده است. زنگنه و همکاران (۱۳۹۳) نیز در پژوهشی به تأثیرات تعلق مکانی بر میزان مشارکت‌پذیری مردم در نوسازی محلات قدیمی پرداخته است. نتایج مطالعات ایشان نشان می‌دهد که سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی بعنوان دو مولفه اساسی در رویکردهای مشارکتی در بهسازی و نوسازی محلات شهری، در محله سرده سبزوار بالاتر از حد متوسط و این دو متغیر تاثیر معناداری بر میزان مشارکت ساکنان داشته است. میرزاعلی و همکاران (۱۳۹۴) نیز در تحقیق خود در قالب موضوع نوسازی محلات قدیمی شهرها به بحث بازآفرینی محور پیاده‌روها در بافت قدیمی شهر گرگان پرداخته‌اند. هدف کلی این تحقیق بررسی ویژگی‌های پیاده‌روها و معرفی رویکردهای موجود در بافت تاریخی شهر گرگان و نیز طراحی درست آن است. نتایج یافته‌های تحقیق ایشان نشان می‌دهد که یکی از مهم‌ترین عناصر تشکیل دهنده بافت‌های تاریخی شهر گرگان، خانه‌های مسکونی آن بوده که ساماندهی محور محله درینو در بافت تاریخی این شهر موجب انطباق آن با سیاست‌های پیاده‌گس‌تری شده است؛ به گونه‌ای که پس از اجرای آن، مکان‌های تجاری و دیگر کاربری‌های مرتبط با آن می‌تواند رونق گیرد.

بنابراین با عنایت به آنچه آمد می‌توان بیان نمود که بحث در خصوص بازسازی و نوسازی محلات قدیمی و تاریخی شهرها با رویکرد مشارکتی ساکنان آن در قالب مولفه‌های تعلق مکانی و سرمایه‌های اجتماعی ساکنین این محلات شهری از ضروریات هر کشور می‌باشد؛ به‌ویژه در خصوص ایران که بسیاری از شهرهای آن دارای بافت‌ها و محلات قدیمی، سنتی و تاریخی است که ضرورت توجه به این مقولات را دوچندان می‌نماید.

۳- مفاهیم و مبانی نظری

بافت‌های قدیمی - تاریخی یکی از فضاهایی است که در هر کشوری بدان اهمیت داده می‌شود و این بافت‌ها به نوعی آن شهر را در هر کشوری مشخص می‌نماید. بافت قدیمی - تاریخی هر منطقه بنا بر ویژگی‌های محیطی، اقلیمی، اجتماعی - فرهنگی و غیره آن منطقه متفاوت است. بسیاری از این محلات واقع در بافت قدیم شهرها که جزو هسته اصلی شکل‌گیری شهر می‌باشند که در ادوار مختلف دچار تغییرات و دگرگونی‌های کالبدی، اقتصادی و اجتماعی شده‌اند که بسیاری از این تغییرات در سیمای کالبدی و ریخت‌شناسی آنها محسوس است که نشان دهنده هویت تاریخی و تحولات فرهنگی آن محلات و شهر می‌باشد. متأسفانه در اکثر مواقع، به‌ویژه در کشورمان بر اثر بی‌توجهی ساکنین این محلات، نهادها و مسئولین ذیربط شهری، این بافت‌ها در گذر زمان دچار تخریب و نابسامانی شده‌اند. این در حالی است که ارتباط با فرهنگ گذشته و دستاوردهای گذشتگان در زمینه طراحی شهری و نیاز به کارآمد کردن بافت‌های قدیم با نیازهای امروز بعنوان یکی از نیازهای اساسی شهروندان، بلاخص ساکنین محلات واقع در این بافت‌های قدیمی - تاریخی است. بنابراین لازم است در گذار از مفاهیم و مبانی نظری این پژوهش، بر برخی مفاهیم و رویکردهای کلی حاکم در قالب موضوع بافت‌های شهری، تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی تاکید ویژه نمود که در ادامه بدان پرداخته شده است.

• بافت‌ها و محلات شهری:

شهرها همانند اغلب سکونتگاه‌های انسانی دارای تقسیم‌بندی‌هایی در قالب نظام محله‌بندی است. در این میان، محلات قدیمی واقع در بافت قدیم شهرها که جزو هسته‌های اولیه و اصلی شکل‌گیری شهرها هستند که در ادوار مختلف دچار تغییرات و تحولات فیزیکی - کالبدی، اقتصادی و اجتماعی - فرهنگی شده است که بسیاری از این تغییرات در سیمای بافت و کالبد آنها محسوس است که نشان‌دهنده هویت تاریخی و تحولات فرهنگی آنها می‌باشد. همچنین بغیر از این بافت‌ها و محلات شهری، این سکونتگاه‌ها دارای بافت‌های دیگری نیز می‌باشند، از جمله:

۱- بافت‌های دارای میراث شهری: بافت‌هایی هستند که دربر گیرنده آثار به جا مانده از گذشته و جایگزین ناپذیری هستند که می‌توانند به آگاهی جوامع از ارزش‌های فرهنگی و گذشته خود کمک کند.

۲- **بافت‌های شهری (فاقد میراث شهری):** بافت‌هایی هستند که در محدوده قانونی شهرها قرار دارند و دارای مالکیت رسمی و قانونی بوده و از نظر استحکام و خدمات شهری دچار کمبود هستند.

۳- **بافت‌های حاشیه‌ای (سکونتگاه‌های غیررسمی):** بافت‌هایی هستند که بیشتر در حاشیه شهرها و کلان‌شهرهای کشور قرار دارند و خارج از برنامه رسمی توسعه شکل گرفته‌اند.

۴- **بافت فرسوده و ویژگی‌های آن:** شهرها از بدو پیدایش به طور مداوم در حال تغییر، تحول و نوسازی و عبارتی تجهیز شدن برای پاسخ‌گویی بهتر به نیازهای انسان بوده‌اند. این تحولات و تغییراتی که به تبع ظهور نیازهای جدید و یا عدم توانایی بافت‌های شهری در پاسخ‌گویی به نیازهای انسان در بافت شهر لازم می‌آیند را می‌توان اجمالاً روزآمد نمودن شهر، احیاء بافت‌های قدیمی، مرمت بافت‌های شهری و یا نوسازی بافت‌های فرسوده نامید (میرزاعلی و همکاران، ۱۳۹۴، ۳-۴). در این میان، هر بافت فرسوده شهری سه ویژگی کلی دارد که عبارتند از: ۱- عدم استحکام، ۲- نفوذناپذیری، و ۳- ریزدانه‌نگی؛ که باید حداقل ۵۰ درصد از بافت این شرایط را داشته باشد که بتوان آن بافت را بافت فرسوده نامید. در زیر شاخص‌های تعیین بافت فرسوده را بر می‌شماریم که الزاماً نباید همه این ویژگی‌ها در یک بافت باشد (همانجا، ۳-۵):

۱- **شکل کالبدی:** بیشتر بافت اندام‌واره یا ارگانیک است؛ ریزدانه‌نگی؛ ارتفاع کم (طبقات کوتاه (یک تا ۲ طبقه)).

۲- **استحکام و مصالح ساختمانی:** بناها فاقد مقاومت در برابر زلزله با شدت متوسط هستند؛ مصالح نازل و کم دوام هستند؛ مکان‌های فاقد ایمنی.

۳- **زیرساخت‌ها:** فاقد شبکه زیرساختی به‌ویژه آب و برق؛ با شبکه فرسوده و آسیب‌پذیر.

۴- **شبکه راه‌ها:** دارای شبکه دسترسی ناکارآمد؛ دارای شبکه نامنظم و ارگانیک؛ دارای شبکه با عرض کم؛ دارای شبکه با نفوذپذیری پایین.

۵- **کاربری‌ها:** کاربری‌های ناسازگار در بافت مسکونی، به‌طور نسبی بالا بوده است؛ مانند: درودگری، پنبه‌زنی، لحاف‌دوزی و غیره؛ دارای فقدان یا کمبود شدید فضای خدماتی است؛ واحدهای تجاری در آن یا متروک یا به شدت غیرقابل استفاده است.

۶- **وضعیت محیط زیست:** آلودگی ناشی از فقدان سیستم دفع فاضلاب، آب‌های سطحی، جمع‌آوری زباله وجود دارد؛ دچار کیفیت محیطی پایین و غیربهداشتی است.

۷- **ابعاد اجتماعی:** نسبت سکنه غیربومی به بومی در محل بیشتر است؛ ناامنی محیطی، به‌ویژه برای کودکان، نوجوانان، جوانان، زنان؛ دارای اعتبار منزلت، مکانی و سکونتی پایین است؛ سکونت غیرمجاز در آن زیاد است؛ وجود مهاجران روستایی، مهاجران فقیر شهری، مهاجران کشوری؛ نسبت استیجاری با مالکیت بالاست؛ ترکیب جمعیتی بافت غیرمتعارف است (از نظر قوم، نژاد و مذهب)؛ شیوع اعتبار، ناهنجاری‌ها رفتاری و بزهکاری بالا است.

۸- **ابعاد اقتصادی:** پایین بودن ارزش زمین و مسکن نسبت به میانگین شهر؛ به سبب فقر تعمیر مسکن از سوی ساکنان وجود ندارد؛ سرمایه‌گذاران صرفه اقتصادی برای ساخت‌وساز ندارند؛ نامعلوم بودن منابع درآمدی اکثر ساکنان؛ ساکنان این محله‌ها در دهک‌های پایین درآمدی هستند.

۹- **عملکرد مدیریت شهری:** خدمات شهری ارئه نمی‌شود و یا باکیفیت و کمیت پایین است؛ اقدامات عمرانی در این بافت‌ها انجام نمی‌شود و یا بسیار کم است؛ فاقد یا با محدودیت فضاهای عمومی و خدماتی است؛ فاقد و یا با محدودیت اثاثیه و مبلمان شهری است.

• حس مکان و تعلق به مکان

حس مکان به معنای ادراک ذهنی مردم از محیط و احساسات کم و بیش آگاهانه آنها از محیط خود است که شخص را در ارتباط درونی با محیط قرار می‌دهد، به‌طوری که فهم و احساس فرد با زمینه معنایی پیوند خورده و یکپارچه می‌شود (انصاری و همکاران، ۱۳۸۸، ۷۵). همچنین حس مکان به مفهوم عاطفه، محبت، قضاوت و تجربه کلی مکان یا توانایی آن در ایجاد حس خاص یا تعلق در افراد است (ضرابیان و منعم، ۱۳۸۷، ۲۴). در واقع، حس مکان حاصل ارتباط درونی انسان، تصورات ذهنی او و ویژگی‌های محیطی است. به‌طوری که این حس، از یک‌سو ریشه در تجربه‌های ذهنی، همچون خاطره، تاریخ، فرهنگ، اجتماع دارد و از سوی دیگر متأثر از زمینه‌هایی عینی و بیرونی در محیط مانند طرح، منظره، بو و صداست که نشان می‌دهد حس مکان مفهومی پیچیده از احساسات و دلبستگی انسان نسبت به محیط است که در اثر انطباق و استفاده انسان از مکان به وجود می‌آید (فلاح، ۱۳۸۵، ۶۳). احساس تعلق و دلبستگی به مکان سطح بالاتری از حس مکان است که در هر موقعیت و فضا به منظور بهره‌مندی و تداوم حضور انسان در مکان نقش تعیین‌کننده‌ای می‌یابد (پیربائی و سجاذاده، ۱۳۹۰، ۲۰). تعلق مکانی به این معناست که مردم خود را به واسطه مکانی که در آن به دنیا آمده و رشد کرده‌اند تعریف کنند (سرمد و توکلی، ۱۳۸۹، ۱۳۷). این حس به گونه‌ای به پیوند فرد با مکان منجر می‌شود که انسان خود را جزئی از مکان می‌داند و بر اساس تجربه‌های خود از نشانه‌ها، معانی و عملکردها، نقشی را برای مکان در ذهن خود متصور می‌سازد. این نقش نزد او منحصر به فرد و متفاوت می‌باشد و در نتیجه مکان برای او مهم و قابل احترام می‌شود (پیربائی و سجاذاده، ۱۳۹۰، ۱۹-۲۰). در این رابطه دلبستگی به مکان به عنوان یک مفهوم، رابطه و نقطه اتصال بین مردم و مکان‌هاست. این دلبستگی مبنای نحوه ارتباط و تعامل عاطفی مثبت انسان با فضاست و به واسطه خصوصیات فردی، جمعی، فرهنگی و اجتماعی ایجاد می‌شود (سجاذاده، ۱۳۹۲، ۷۰). تعلق مکانی را می‌توان در قالب چهار بُعد زیر معرفی نمود: الف) **هویت مکانی:** هویت مکانی به جنبه ذهنی رابطه بین انسان و مکان اشاره دارد و اینکه چگونه مکان به هویت خود فرد کمک می‌کند (Payton, 2003, 8). از نظر پروشانسکی^۱ مفهوم هویت مکانی به آن دسته از ابعاد خویشتن اشاره دارد که هویت فردی اشخاص را در رابطه با محیط فیزیکی شان تعریف می‌کند. واژه هویت دو معنی می‌دهد: اول همسانی^۲ و دوم تمایز^۳. بنابراین هویت مکانی باید هر دو جنبه را با هم ترکیب کند. در هویت مکانی، مکان وسیله‌ای است که فرد خودش را از دیگران (افراد خارج از مکان) متمایز می‌سازد و نیز حس همسانی خود را با افراد داخل مکان حفظ می‌کند

¹ Place identity

² Proshanski

³ sameness

⁴ distinctiveness

(Lewicka, 2008, 211). هویت مکان از نظر پروشانسکی عبارت است از آن ابعاد خویشتن که در ارتباط با محیط فیزیکی از طریق الگویی از عقاید، ترجیحات، احساسات، ارزش‌ها و اهداف وجود و توسعه می‌یابد. این یک پدیده دینامیک است که از طریق تجربیات زندگی به وجود می‌آیند و تبدیل می‌شوند (Manzo & Parkins, 2006, 337).

ب) وابستگی مکانی: وابستگی مکانی دومین بعد هویت مکانی است. اسکلز و شوماخر (۱۹۸۱)^۱ مفهوم وابستگی مکانی را بعنوان شکلی از تعلق تعریف کرده‌اند که با پتانسیل مکان خاص برای ارضای نیازها و اهداف افراد و سنجش اینکه مکان حاضر در مقایسه با سایر مکان‌های موجود چه شرایط قابل دسترسی برای ارضای همان نیازها در اختیار دارد، اشاره می‌کند (Williams and al, 1992, 31). به زبان ساده، این بعد ناظر بر این است که فرد مکان را آن روی انتخاب کرده که نسبت به سایر مکان‌های موجود بیشتر انتظارات و نیازهای او را برآورده می‌ساخته است.

پ) تعلق عاطفی: تعلق عاطفی را می‌توان تعلق احساسی و هیجانی به محیط و زمینه خاصی دانست. توان (۱۹۷۷)^۲ عقیده داشت که هیجانات به تمام تجربیات فرد متصل است تجربیاتی که با جهان فیزیکی مواجه است. در کل تعلق عاطفی ناظر بر پاسخ‌های احساسی به زمینه‌ها و شرایط محیطی است (Brocato, 2006, 25).

ت) پیوندهای اجتماعی: مکان‌ها فقط شامل محیط فیزیکی نیستند؛ مردم خود جزئی از مکانند. بنابراین یکی از ابعاد حس مکان، تعلق فرد به مردمی است که در آن مکان زندگی می‌کنند. در واقع «مکان‌ها مخازنی هستند که ارتباطات بین فردی، اجتماعی و فرهنگی در آن رخ می‌دهد» اهمیت پیوندهای اجتماعی در مکان‌ها توسط محققین زیادی مورد بررسی قرار گرفته است. مطالعات حاکی از آن است که پیوند اجتماعی با دوستان و خویشاوندان یکی از منابع مهم و پایدار تعلق مکانی است. همچنین هیدالگو و هرناندز (۲۰۰۱)^۴ در مقایسه پیوندهای فیزیکی و اجتماعی با محیط دریافتند که پیوندهای اجتماعی^۵ نسبت به تعلق فیزیکی در شرایط فضایی مختلف قوی‌تر عمل می‌کند (Ibid, 25-26).

• سرمایه اجتماعی

در کل تعاریف زیادی از سرمایه اجتماعی وجود دارد به طوری که برخی به انواع روابط درونی که منافع متقابل در بین افراد به وجود می‌آورد، اشاره می‌کنند؛ در حالی که برخی به منابعی که از این روابط درونی حاصل می‌شود، تاکید دارند. می‌توان سرمایه اجتماعی را مجموعه منابعی که از پیوندهای اجتماعی یا شبکه‌های اجتماعی به وجود می‌آید یا توسعه می‌یابد، دانست. بر این اساس قدرت پیوندهای اجتماعی و گستردگی شبکه‌های اجتماعی ابعاد مشهود سرمایه اجتماعی فرد هستند (Kan, 2007, 1). از نظر پکستون (۱۹۹۹) سرمایه اجتماعی دارای دو مؤلفه است: اول، ساختار شبکه‌ای عینی که افراد را به هم پیوند می‌زند و دوم، یک نوع پیوند ذهنی مثبت و ناشی از اعتماد بین افراد (Payton, 2003, 11-14). با توجه به مؤلفه نخست، مفهوم سرمایه اجتماعی به گستره و تاثیر بخشی شبکه‌های انسانی رسمی و غیررسمی مرتبط است. شبکه‌های رسمی شامل سازمانهای اجتماع محلی، و پیوندهای بین آنها است در حالیکه شبکه‌های غیر رسمی معمولاً به ارتباط اجتماعی و اعتماد متقابل اشاره دارد (Perkins et al., 2002, 32).

مؤلفه مهم دیگر سرمایه اجتماعی وجود اعتماد بین افراد است که نه تنها بین شبکه‌ها بلکه بین افراد و یا گروه‌ها وجود دارد چون اعتماد کمک زیادی به شبکه‌ای شدن می‌کند، یک شاخص بسیار مهم محسوب می‌شود (Payton, 2003, 11-14).

• مشارکت اجتماعی و ارتباط آن با تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی

مشارکت اجتماعی یکی از عناصر تشکیل دهنده قدرت جوامع و توانمند سازی جامعه است (آدینه‌وند و همکاران، ۱۳۹۲، ۴۷). این مفهوم را می‌توان درگیری عاطفی اشخاص در موقعیت‌های گروهی دانست که آنان را برمی‌انگیزاند تا برای دستیابی به هدف‌های گروهی یکدیگر را یاری دهند و در مسئولیت کار شریک شوند (رجبی، ۱۳۹۰، ۳). مشارکت به معنای همکاری چند سویه بین بخش خصوصی، بخش عمومی یعنی مردم و نهادهای مردمی است (عربی و انتظار یزدی، ۱۳۸۹). بدون شک شرکت یکایک شهروندان در عمران و آبادانی و توسعه همه جانبه شهری که در آن زندگی می‌کنند نوعی ضرورت اجتماعی و وظیفه شهروندی است (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۴۵). چراکه به واسطه مشارکت مردم در فرایند توسعه شهری، مدیران شهری بهتر می‌توانند مسائل و نارسائی‌های اجتماعی شهر را شناخته در جهت حل آن و نهایتاً نوسازی و توسعه شهری اقدام نمایند (زیاری و همکاران، ۱۳۹۲، ۴). علاوه بر این مشارکت شهروندان در اداره امور شهر نتایج مثبتی همچون کاهش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت شهری بخصوص شهرداری‌هایی که با کمبود یا فقدان نیروی متخصص و منابع مالی مواجه‌اند و همچنین صرفه جویی در هزینه‌ها و کاهش مصرف انرژی را به دنبال دارد (ادیب‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹، ۱۴۵).

اما سطح مشارکت مردمی از مجموعه‌ای از متغیرها متاثر می‌گردد. در این زمینه یکی از مهم‌ترین متغیرها، توجه به سرمایه اجتماعی مردم و هدایت آن به سمت مشارکت و مسئولیت پذیری جهت تحقق شهروندی است. اعضای جامعه با برقراری تماس با یکدیگر و پایدار ساختن آنها قادر به همکاری با یکدیگر می‌شوند و به این طریق چیزهایی را کسب می‌کنند که به تنهایی قادر به کسب آنها نمی‌باشند و یا با دشواری بسیار موفق به کسب آنها می‌شوند (فیلد، ۱۳۸۸، ۷). سرمایه اجتماعی بعنوان منبعی جهت کنش جمعی تلقی می‌گردد و این منبع علاوه بر آگاهی و توجه یا دانش نسبت به امور عمومی اجتماعی یا سیاسی است. یعنی آگاهی که موجب علاقه‌مندی و دل‌نگرانی است؛ شامل: هنجارهای اعتماد (اعتماد عمومی، اعتماد نهادی و یا مدنی)، هنجارها و یا رفتارهای معامله متقابل که در درون شبکه‌های اجتماعی عمل می‌کنند و عناصر ساختاری شبکه‌ها و مشارکت‌های رسمی و غیررسمی می‌باشد (ناطق‌پور و فیروز آبادی، ۱۳۸۵، ۱۶۳-۱۶۴). در واقع، نحوه نقش آفرینی سرمایه اجتماعی در فرایند توسعه محله را می‌توان در قالب دیدگاه پاتنام (۲۰۰۰) از منافع آن تشریح کرد:

- سرمایه به شهروندان اجازه می‌دهد تا مشکلات مربوط به شهر و محله خود را آسان‌تر حل‌وفصل کنند.

¹ Stokols & Shumaker, 1981

² Affective Attachment

³ Tuan, 1977

⁴ Hidalgo & Hernandez, 2001

⁵ social bonds

- سرمایه اجتماعی حرکت رو به رشد محله را آسان می‌کند و مسیر آن را هموار می‌سازد.
- سرمایه اجتماعی آگاهی شهروندان را از راه‌های زیادی که موجب پیوند دادن سرنوشت آنها به هم می‌شود، گسترش می‌دهد.
- اجتماع محلی دارای سرمایه اجتماعی به‌مثابه مجرای برای جریان اطلاعات مفید است؛ یعنی اطلاعاتی که رسیدن افراد را به اهدافشان آسان می‌سازد (نادری بوانلو و پرتوی، ۱۳۸۹، ۷۰-۷۱، به نقل از: Putnam, 2000).

همچنین سرمایه اجتماعی با استفاده از همانندی‌ها و همسانی‌های افراد جامعه از جهات گوناگون، باعث ایجاد روحیه اعتماد متقابل می‌شود و در خدمت منافع جمعی قرار می‌گیرد و بستر و فضایی ایجاد می‌کند که ضمن کاهش هزینه‌های استفاده از نیروی انسانی، تعامل بین آنها نیز افزایش یابد و در نتیجه شهر به سوی توسعه یافتگی حرکت نماید (شکوه‌فر و شعبانجولا، ۱۳۹۰، ۲). دل‌بستگی به مکان نیز نقش عمده‌ای در ایجاد و بالا بردن سطح مسئولیت‌پذیری، همکاری و خودیاری ساکنان مناطق مسکونی دارد و شیوه کارآمدی برای حل مسائل و بهبود شرایط زندگی ارائه می‌کند. دل‌بستگی و احساس تعلق به مکان، در افراد این انگیزه را ایجاد می‌کند که به احیاء و نوسازی همه جانبه محیط زندگی بپردازند و کیفیت محیطشان را بهبود بخشند (امیرکافی و فتحی، ۱۳۹۰، ۶-۷). تعلق به مکان می‌تواند به عنوان یک پیوند متحد ساز بین افراد عمل کند. شاید مدیران بتوانند این تعلق متقابل را بعنوان یک زمینه مشترک که شهروندان را کنار هم گرد می‌آورد و عملکرد اجتماعی و مدنی را تشویق می‌کند، مورد استفاده قرار بدهند (Payton, 2003, 1-3). همچنین تعلق مکانی می‌تواند به‌طور معناداری سرمایه اجتماعی را پیش‌بینی کند (Mihaylov, 2011, 4). در واقع تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی تاثیرگذار است. با این تفاسیر رابطه بین این سه متغیر را می‌توان اینگونه توضیح داد که تعلق مکانی هم به‌طور مستقیم و هم غیرمستقیم (از طریق سرمایه اجتماعی) می‌تواند بر مشارکت تاثیرگذار باشد.

۴- روش تحقیق

این پژوهش به لحاظ هدف از نوع کاربردی بوده و با رویکرد توصیفی-تحلیلی سعی در بررسی تاثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی در محله دربنو گرگان را دارد. روش گردآوری داده‌ها ترکیبی از روش‌های کتابخانه‌ای (اسناد معتبر و منتشر شده در استانداری و شهرداری گرگان، پایان‌نامه‌ها، مقالات و طرح‌های پژوهشی) و میدانی (پیمایش مبتنی بر توزیع پرسشنامه محقق ساخته و مصاحبه حضوری) مورد استفاده قرار می‌گیرد. در بخش تحقیق میدانی، ابزار پرسشنامه مورد استفاده قرار می‌گیرد که مشتمل بر سوالات بسته است. واحد تحلیل در این تحقیق، خانوارهای ساکن در محله قدیمی دربنو شهر گرگان (استان گلستان) بوده که اطلاعات لازم از سرپرست خانوار اخذ گردید. جامعه آماری کل خانوارهای ساکن در این محله بین ۳۰۰ تا ۳۵۰ خانوار تخمین زده می‌شود که با توجه به فرمول کوکران، تعداد حجم نمونه بالغ بر ۱۲۰ خانوار بدست آمد که اطلاعات مورد نیاز از سرپرستان این خانوارها کسب گردید. همچنین برای سنجش سطح متغیرهای تحقیق (سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی) در جامعه مورد مطالعه، از آزمون T تک نمونه‌ای استفاده می‌شود و تحلیل رابطه متقابل سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی از آزمون همبستگی پیرسون و برای آزمون تاثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر مشارکت از آزمون رگرسیون خطی در محیط نرم‌افزار آماری SPSS.24 استفاده می‌شود. گفتنی است در خصوص معرفی متغیرهای تحقیق باید گفت که متغیرهای مستقل تحقیق، تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی و متغیر وابسته، تمایل به مشارکت در نوسازی محله است. هر کدام از شاخص‌ها با مولفه‌های مندرج در جدول شماره (۱) تقسیم شده است. برای هر مولفه، دو گویه در پرسشنامه طراحی شده است. در مجموع ضریب آلفای کرونباخ برای کلیه گویه‌های پرسشنامه حدود ۰/۹ بوده که نشان دهنده پایایی بالای سوالات پرسشنامه است.

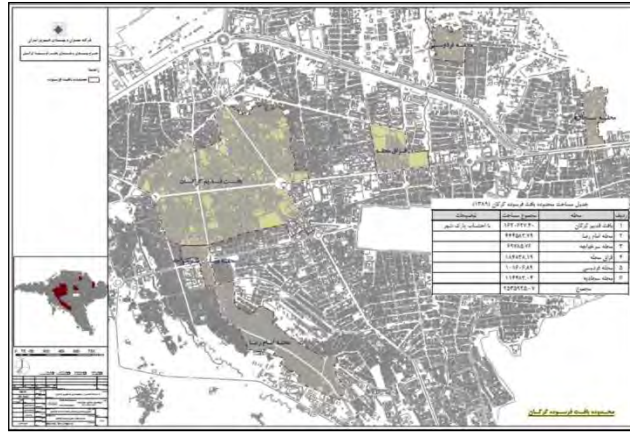
جدول ۱: شاخص‌ها و مولفه‌های تحقیق و ضریب پایایی پرسشنامه

شاخص	مولفه‌ها	مقدار ضریب آلفای کرونباخ
تعلق مکانی	هویت مکانی، پیوند اجتماعی، وابستگی مکانی، تعلق عاطفی، سرمایه اجتماعی	۰/۹۲۳
سرمایه اجتماعی	اعتماد به مدیریت شهری، اعتماد بین ساکنان، تعامل بین ساکنان، تعامل ساکنان با شهرداری	۰/۹۰۲
مشارکت‌پذیری شهروندان در نوسازی محلات	تمایل به مشارکت با مدیریت شهری در پروژه‌های مربوط به محله مثل ارتقاء شبکه معابر، گسترش زیرساخت‌ها، توسعه خدمات محله‌ای.	۰/۸۶۵
آلفای کرونباخ کل گویه‌ها		۰/۸۹۷

۴-۱- قلمرو مکانی تحقیق

محله دربنو (دروازه نو یا دربنو) یکی از ارزشمندترین محلات تاریخی شهر گرگان (در استان گلستان) است. این محله از زیرمحلات محله میدان بوده که از ویژگی‌های آن، این است که تقریباً در مرکز سایر محلات قرار داشته و مرکز محله بزرگتری است و به همین دلیل در ایام محرم و عزاداری از شلوغ‌ترین محلات گرگان می‌باشد. محله دربنو در بین محلات نعلبندان در مرکز، دوشنبه‌ای در شمال و میدان عباسعلی در غرب قرار گرفته است. محدوده محله دربنو در گذشته بسیار بزرگتر از وضع کنونی آن بوده است و با احداث خیابان پهلوی یا امام خمینی امروز، این محله به دو نیم تقسیم شده است. بخش جنوبی آن به تدریج هویت خود را بعنوان محله دربنو از دست می‌دهد. مرکز این محله که همانند بسیاری از مراکز محلات گرگان، فضای باز درونی تکیه یا میدانه مرکزی تکایست، علاوه بر اینکه از دیدگاه مذهبی و اقتصادی دارای ارزش است، به لحاظ اجتماعی و مدنی نیز از ارزش بالایی در بین ساکنین محله برخوردار است. وجود گرمابه‌ای که هنوز فعال است، از دیگر ویژگی‌های محله دربنو است. این محله دارای دیگر عناصر ارزشمند تاریخی-معماری می‌باشد. مدرسه عمادیه، آب‌انبار دو مخزنه متعلق به دوره صفویه که البته یکی از مخزن‌های آن در میدانگاه تکیه قرار داشته، در دوره پهلوی تخریب شده است و مخزن دیگر آب‌انبار در حیاط خانه‌ای در جبهه شمالی تکیه قرار دارد و پاشیر آب‌انبار در میدانگاه تکیه در زیر تکایب شرقی است که ورودی آن مسدود شده است. مسجد شیخ اسماعیل مجتهد استرآبادی متعلق به دوره زندیه، مسجد گلشن، آرامگاه ملا مهدی استرآبادی، ملا محمد باقر شاهکونی، شیخ عبدالرزاق و نیز خانه‌های ارزشمند دوره قاجار و یکی از گورستان‌های محله‌ای باقی‌مانده شهر استرآباد به نام گورستان سید باقر و غیره از دیگر آثار هنری، معماری و تاریخی قابل ذکر در محله دربنو می‌باشد. علاوه بر این آثار با ارزش، بخشی از

بازار قدیمی - سنتی استرآباد در اتصال و ارتباط با این محله قرار داشته که محل آن در گذر شمالی منتهی به تکیه دربنو به طرف مسجد گلشن و چهارسوق بوده است. با توجه به وجود چند اثر صفوی در محله دربنو به نظر می‌رسد این محله در دوره صفوی رونق بسیاری داشته است؛ شاید یکی از دلایل آن نیز وجود مدرسه عمادیه متعلق به دوره صفویه باشد (مهندسین مشاور خودآوند، ۱۳۸۹، ۴). فضای باز تکیه دربنو با تهرانگ نامتقارن و دوزنقه شکل توسط ابنیه دو طبقه‌ای در چهار طرف محصور شده است. در طرف شرقی، تکیه و صاف خانه جوانان قدیم دربنو و چند تکیه دیگر قرار دارد. در جبهه شمالی تکیه دربنو، تکایای سقاخانه و سایر تکایا در دو طبقه قرار دارد. جبهه غربی تکیه دربنو بر خلاف جبهه شرقی دارای یک پایه در وسط و دو صاف خانه یا فضای سباط مانند در طرفین است که امکان دسترسی به محله میدان را فراهم می‌کند. در جبهه جنوبی پیر تکیه و گوشواره‌ها و نیز حمام دربنو قرار گرفته‌اند (میرزاعلی و همکاران، ۱۳۹۴، ۷-۹).



نقشه ۱: محدوده بافت قدیم گرگان (مأخذ: گروه مشاورین خودآوند، ۱۳۸۹)



نقشه ۲: محدوده عملکردی امروزی محله دربنو و دیگر محلات قدیمی گرگان (مأخذ: گروه مشاورین خودآوند، ۱۳۸۹)



نقشه ۳: معرفی عناصر شاخص تاریخی و معماری محله دربنو (مأخذ: گروه مشاورین خودآوند، ۱۳۸۹)

۵- تحلیل یافته‌ها

در پژوهش حاضر برای سنجش متغیرهای تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی و مشارکت‌پذیری شهروندان، مولفه‌هایی طراحی شده و برای سنجش این مولفه‌ها گویه‌هایی جهت پرسش از ساکنین در قالب طیف لیکرت (۵ مقیاسی) طرح شده است. برای آزمون سطح این متغیرها در محله مورد مطالعه از آزمون T تک نمونه ای استفاده شده است. با توجه به اینکه طیف لیکرت از امتیاز ۱ (خیلی کم) تا امتیاز ۵ (خیلی زیاد) می‌تواند کدبندی و امتیازدهی شود، در این آزمون عدد ۳ بعنوان حد متوسط (test value) در نظر گرفته شده است و میانگین‌های بدست آمده با توجه به این عدد مقایسه می‌شود. اگر میانگین نمونه مورد مطالعه در مولفه یا

مولفه‌ها بالاتر از عدد ۳ باشد و میزان Sig هم کمتر از آلفا ۰/۰۵ باشد می‌توان گفت که سطح متغیر مورد نظر به طور معناداری بالاتر از حد متوسط است و بالعکس.

• **تعلق مکانی، سرمایه اجتماعی و تمایل به مشارکت‌پذیری در نوسازی محله دربنو گرگان**

الف) تعلق مکانی: در متغیر تعلق مکانی، همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد، سطح همه مولفه‌های مورد نظر بالاتر از عدد ۳ بوده؛ به‌طوری‌که در میان گویه‌های مولفه وابستگی مکانی سطح معناداری بالاتر از آلفا ۰/۰۵ دارد و از این رو نمی‌توان گفت که بالاتر از حد میانگین بودن این مولفه از نظر آماری معنادار است. اما سایر مولفه‌ها و همچنین تعلق مکانی کلی که ترکیبی از چند مولفه تعلق عاطفی، وابستگی مکانی، هویت مکانی و پیوند اجتماعی است؛ به‌طور معناداری بالاتر از حد میانگین قرار دارند. بدین ترتیب که برای اکثر افراد، محدوده مورد نظر جزوی از وجودشان است، به‌طوری‌که هنگام معرفی، خود را عضوی از این محله می‌دانند (بعد هویت مکانی). تعلق عاطفی نیز که به نوعی ابزار احساس خوشایندی از زندگی در مکان مزبور است در سطح متوسط و بالاتر از آن قرار دارد. همچنین پیوند اجتماعی بین افراد در حد مناسبی است و بالاخره اینکه اکثر افراد زندگی در این محله را مخصوصاً با توجه به شرایط اقتصادی خانوار بر سایر محلات ترجیح می‌دهند. در کل، تعلق بالای ساکنین به مکان زندگی‌شان نکته‌ای مثبت و پتانسیلی مهم است که می‌تواند در برنامه‌های توسعه مشارکتی محله مفید واقع شود.

ب) سرمایه اجتماعی: متغیر بعدی سرمایه اجتماعی است که در مولفه‌های اعتماد (به هم‌محله‌ای‌ها و به مدیریت شهری) و نیز تعامل با همسایگان و مدیریت شهری سنجیده می‌شود. همان‌طور که جدول شماره ۲ نشان می‌دهد سطح اعتماد به مدیریت شهری با میانگین حدود ۲/۶۸ در سطح معناداری بیشتر از آلفا ۰/۰۵ قرار دارد. بنابراین می‌توان گفت که شهروندان ساکن در محله قدیمی دربنو گرگان اعتماد کمی به مدیریت شهری و عملکرد آن دارند. با این وجود اعتماد مابین هم‌محله‌ای‌ها و همسایگان در حد بالایی است و بالتبع همان‌طور که جدول نشان می‌دهد همبستگی اجتماعی بین ساکنان نیز در حد بالاتر از متوسط است. اما همانند اعتماد به مدیریت شهری، سابقه مشارکت ساکنان با شهرداری نیز در حد پایینی است که هر دوی این موارد نیازمند اصلاح است و باید مدیریت شهری در جهت کاهش فاصله بین خود و شهروندان تلاش کند.

پ) تمایل به مشارکت: آزمون T تک نمونه‌ای نشان می‌دهد میزان تمایل به مشارکت‌پذیری (مشارکت مالی به صورت خودیاری، عوارض و مالیات) ساکنین در نوسازی و توسعه (بعنوان متغیر وابسته تحقیق) حدود ۲/۴۱ است که پایین‌تر از حد متوسط است.

جدول ۲: سطح متغیرهای تحقیق در محله دربنو گرگان بر اساس آزمون T تک نمونه‌ای

متغیرها	مولفه	میانگین	سطح معناداری
تعلق مکانی	هویت مکانی	۳/۶۱	۰/۰۰۰
	وابستگی مکانی	۳/۱۸	۰/۳۸
	پیوند اجتماعی	۴/۰۵	۰/۰۰۰
	تعلق عاطفی	۳/۸۹	۰/۰۰۰
	تعلق مکانی(کلی)	۳/۶۸	۰/۰۰۰
سرمایه اجتماعی	اعتماد به مدیریت شهری	۲/۶۸	۰/۰۵۱
	اعتماد بین ساکنان	۳/۶۳	۰/۰۰۰
	تعامل ساکنان با مدیریت شهری	۲/۲۳	۰/۰۰۰
	تعامل بین ساکنان	۳/۳۸	۰/۰۰۰
	سرمایه اجتماعی(کل)	۳/۱۱	۰/۰۰۰
متغیر وابسته	تمایل به مشارکت‌پذیری ساکنین در نوسازی و توسعه محله دربنو	۲/۴۱	۰/۰۰۷

○ **تأثیر تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی**

در این قسمت، ابتدا رابطه بین مولفه‌های تعلق مکانی و مولفه‌های سرمایه اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد و سپس تأثیر تعلق مکانی کل بر سرمایه اجتماعی کل مورد آزمون قرار می‌گیرد. طبق جدول ۳ نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان می‌دهد که ضریب همبستگی بین مولفه‌های دو متغیر سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی عددی مثبت است و در همه مولفه‌ها در سطح معناداری کمتر از آلفا ۰/۰۱ رابطه معنادار برقرار است. جدول ۳: رابطه بین مولفه‌های تعلق مکانی و مولفه‌های سرمایه اجتماعی در محله دربنو گرگان

مولفه‌های سرمایه اجتماعی				مولفه‌ها		
اعتماد به مدیریت شهری	اعتماد بین ساکنان	تعامل با مدیریت شهری	تعامل بین ساکنان			
**۰/۳۱۶	**۰/۴۴۸	**۰/۳۰۹	**۰/۳۱۲	Spearman Correlation	هویت مکانی	مولفه‌های تعلق مکانی
۰/۰۰۲	۰/۰۰۰	۰/۰۰۶	۰/۰۰۵	Sig.		
**۰/۵۱۸	**۰/۵۰۴	**۰/۳۲۲	**۰/۳۰۱	Spearman Correlation	وابستگی مکانی	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۹	Sig.		
**۰/۳۰۱	**۰/۵۲۳	**۰/۳۲۱	**۰/۴۱۲	Spearman Correlation	پیوند اجتماعی	
۰/۰۰۹	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	Sig.		
**۰/۳۶۸	**۰/۴۵۲	**۰/۴۰۲	**۰/۳۸۵	Spearman Correlation	تعلق عاطفی	
۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	Sig.		

** معناداری در سطح ۰/۰۱

برای آزمون تاثیر تعلق مکانی کل بر سرمایه اجتماعی کل از آزمون رگرسیون خطی استفاده شد. با توجه به جدول شماره ۴ میزان ضریب همبستگی بین این دو مولفه ۰/۵۸۲ بوده که ضریب تعیین حدود ۰/۳۶۱ است که نشان می‌دهد که حدود ۳۶ درصد تغییرات سرمایه اجتماعی تحت تاثیر تعلق مکانی است. با توجه به اینکه مقدار $Beta$ نیز عددی مثبت است و میزان معناداری نیز کمتر از آلفا ۰/۰۱ است؛ بنابراین تاثیر تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی معنادار است و بنابراین فرضیه اول تحقیق (با اطمینان ۹۹ درصد) قابل قبول است. بر اساس آنچه گفته شد می‌توان گفت افراد دارای حس هویت مکانی بالاتر، و نیز علاقه‌مندی به زندگی در این محله و دارای وابستگی بیشتر به محل سکونت، اعتماد بیشتری به مدیریت شهری و ساکنان دارند و بالتبع با هم‌محله‌ای‌های خود تعامل بیشتر دارند و با مدیریت شهری مشارکت افزون‌تری دارند.

جدول ۴: تاثیر تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی ساکنین در محله دربندو گرگان

متغیر مستقل	سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد شده		متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی
			Beta	Std. Error	
تعلق مکانی	۰/۰۰۰	۸/۱۱۲	۰/۵۸۲	۰/۰۶۱	$۰/۳۶۱R^2 =$
				۰/۴۶۸	

○ تاثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر تمایل به مشارکت‌پذیری ساکنان دربندو در نوسازی محله

در این قسمت، تاثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر مشارکت ساکنان محله دربندو گرگان در نوسازی و توسعه کالبدی مورد بررسی قرار می‌گیرد. با توجه به اینکه هدف آزمون وجود تاثیر معنادار یک متغیر بر متغیر دیگر است، آزمون رگرسیون خطی مورد استفاده قرار می‌گیرد و سعی می‌شود فرضیه دوم و سوم تحقیق مورد آزمون قرار گیرد:

در فرضیه دوم تاثیر سرمایه اجتماعی بر تمایل به مشارکت ساکنان مد نظر است. طبق آزمون رگرسیون خطی، ضریب همبستگی بین سرمایه اجتماعی و تمایل به مشارکت در نوسازی و بهسازی حدود ۰/۲۵۸ و سطح معناداری نیز کمتر از آلفا ۰/۰۵ است، بنابراین فرضیه مورد نظر قابل قبول است. بنابراین ارتقاء سرمایه اجتماعی موجب افزایش تمایل به مشارکت ساکنین در نوسازی محله می‌شود.

جدول ۵: تاثیر تعلق مکانی بر تمایل به مشارکت‌پذیری ساکنین در نوسازی محله دربندو گرگان

متغیر مستقل	سطح معناداری	T	ضرایب استاندارد شده		متغیر وابسته: سرمایه اجتماعی
			Beta	Std. Error	
سرمایه اجتماعی	۰/۰۳۷	۲/۱۲	۰/۲۵۸	۰/۲۱۱	$۰/۲۵۸R^2 =$
تعلق مکانی	۰/۰۱۳	۲/۶۴	۰/۳۰۲	۰/۱۷۹	

بر اساس آزمون رگرسیون (جدول شماره ۵)، ضریب همبستگی که برابر ۰/۳۰۲ است و با توجه به اینکه میزان سطح معناداری نیز کمتر از آلفا ۰/۰۵ است؛ بنابراین فرضیه سوم تحقیق (با اطمینان ۹۵ درصد) قابل قبول است و می‌توان گفت که متغیر مستقل بر متغیر وابسته تاثیر معنادار دارد بطوریکه با افزایش میزان تعلق مکانی ساکنان، تمایل آنها برای مشارکت با مدیریت شهری و سایر ساکنان جهت نوسازی محله افزایش می‌یابد. ضریب تعیین نیز نشان می‌دهد که حدود ۲۵ درصد تغییرات متغیر وابسته (تمایل به مشارکت‌پذیری) تحت تاثیر سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی است. بنابراین بهبود سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی می‌تواند موجب افزایش مشارکت ساکنان محله دربندو گرگان در نوسازی این محله می‌شود.

○ تحلیل مسیر تاثیر تعلق مکانی بر تمایل به مشارکت‌پذیری شهروندان محله دربندو گرگان

همان‌طور که گفته شد تعلق مکانی ضمن اینکه تاثیر مستقیم بر مشارکت ساکنان دارد، به طور غیرمستقیم نیز از طریق سرمایه اجتماعی بر مشارکت تاثیر می‌گذارد بنابراین برای پی بردن به میزان تاثیر نهایی و کلی متغیر تعلق مکانی بر مشارکت باید از تحلیل مسیر بهره برد. ضریب بتای تاثیر مستقیم تعلق مکانی بر مشارکت (طبق جدول ۵) حدود ۰/۳۰۲ است و تاثیر تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی نیز (طبق جدول ۴) حدود ۰/۵۸۲ است و تاثیر سرمایه اجتماعی (طبق جدول ۵) بر مشارکت ۰/۲۵ است. بنابراین تعلق مکانی از طریق سرمایه اجتماعی با بتای ۰/۱۶۱ بر مشارکت تاثیرگذار است (تاثیر غیرمستقیم). در مجموع میزان بتای ناشی از تاثیر تعلق مکانی (مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم) بر تمایل به مشارکت ۰/۴۶۱ است.

جدول ۷: تاثیر تعلق مکانی بر تمایل به مشارکت‌پذیری شهروندان محله دربندو گرگان

نوع اثر	مسیر	میزان اثر بر اساس ضرایب بتا
اثرات مستقیم	تمایل به مشارکت تعلق مکانی	۰/۳۰۲
اثرات غیرمستقیم	تمایل به مشارکت سرمایه اجتماعی تعلق مکانی	$۰/۵۸۲ \times ۰/۲۵ = ۰/۱۴۵$
مجموع اثرات مستقیم و غیرمستقیم		۰/۴۴۷

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادات

امروزه اغلب شهرهای کشور به دلیل ماهیت پویای خود و روبرو شدن با مسائل مختلف اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و نیز سیاست‌های مختلف مدیریتی، در مسیر رشد و توسعه خود با مسائل و تنگناهای جدیدی روبرو می‌شوند. یکی از مواردی که همواره توجه اکثر محققان، برنامه‌ریزان و مدیران شهری کشور را به خود معطوف ساخته، بحث چالش‌برانگیز "بافت فرسوده و محلات قدیمی شهر" می‌باشد که طی فرآیند زمانی طولانی مدت شکل گرفته و تحت تاثیر جریان‌ات و تحولات طبیعی، اجتماعی و اقتصادی، ضرورت بهسازی و نوسازی آنها با حضور و مشارکت حداکثری شهروندان بعنوان دارائی‌های پنهان و موثر توسعه شهری، احساس گردیده است. لذا در این تحقیق سعی شد وضعیت سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی بعنوان دارایی‌های مهم توسعه محله‌ای در محله قدیمی دربندو گرگان مورد بررسی

قرار گیرد. نتایج تحقیق نشان دهنده وضعیت مناسب این محله در شاخص‌های تعلق مکانی است. بر این اساس این محله توانسته به عنوان یک محله با هویت و متمایز از سایر محلات باشد همچنین برای اغلب ساکنین، محله مورد نظر جزئی از وجودشان است، به طوری که هنگام معرفی، خود را با افتخار عضوی از این محله می‌دانند (بعد هویت مکانی). پیوندهای اجتماعی بین ساکنین محله در درجه بالایی قرار دارد، به طوری که ارتباط صمیمی و اعتماد متقابل بین آنها وجود دارد و بالتبع در مواقع نیاز به همدیگر کمک می‌کنند (بعد پیوند اجتماعی). تعلق عاطفی نیز که به نوعی ابراز احساس خوشایندی از زندگی در مکان مزبور است در سطح متوسط و بالاتر از آن قرار دارد و بالاخره اکثر افراد زندگی در این محله را بر سایر محلات ترجیح می‌دهند (وابستگی به مکان).

همچنین از نظر شاخص‌های سرمایه اجتماعی، دو شاخص اعتماد به مدیریت شهری و تعامل ساکنان با مدیریت شهری در حد پایینی است. اما دو مولفه دیگر یعنی اعتماد متقابل بین ساکنان و تعامل بین آن‌ها در حد بالایی است که این موارد به عنوان نکات مثبت و سرمایه ای مناسب برای توسعه پایدار محله ای است. علاوه، در مرحله بعد تاثیر تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی مورد آزمون قرار گرفت. نتایج آزمون بیانگر تاثیر معنادار تعلق مکانی بر سرمایه اجتماعی است و این نشان می‌دهد که تعلق و دلبستگی بالای افراد با مکانی مشترک می‌تواند پیوند دهنده‌ای قوی باشد که افراد ساکن در آن مکان را به یکدیگر متصل می‌سازد و موجب ارتقاء سرمایه اجتماعی گردد. شایان ذکر است که یافته‌های تحقیق حاکی از اثرات معنادار و مثبت سرمایه اجتماعی و تعلق مکانی بر میزان و تمایل به مشارکت‌پذیری ساکنان در نوسازی محله درینو شهر گرگان است. با عنایت به این نکته، ضرورت دارد تا با نگاهی دارایی مبنا این دو متغیر به عنوان نیروهای موثر در برنامه‌های مورد نظر در این محله مورد توجه قرار گیرد. با این حال نکته‌ای که نباید از آن غافل شد، اعتماد کم ساکنان این محله نسبت به مدیریت شهری و تعامل ضعیف بین آن‌هاست که باید این مورد منفی با اقدامات اعتمادساز مدیریت شهری و دخالت دادن مردم در برنامه‌ریزی‌های آتی و تصمیم‌گیری‌های موثر در توسعه محله، به مرور زمان بهبود یابد.

از منظر مقایسه نتایج پژوهش حاضر با تحقیقات مشابه می‌توان مشابهت‌هایی یافت؛ به طوری که تحقیق حاضر مانند اثر پیتون (۲۰۰۳) به این نتیجه رسیده که تعلق مکانی علاوه بر اثر مستقیم روی مشارکت به طور غیرمستقیم از طریق سرمایه اجتماعی نیز بر مشارکت تاثیر می‌گذارد. همان‌طور که ذکاوی و روشنفر (۱۳۸۵)، غیاثوند (۱۳۸۸) و زنگنه و همکاران (۱۳۹۳) بر تاثیر سرمایه اجتماعی در کیفیت زندگی محلات شهری پی برده‌اند. این تحقیق نیز بیان می‌دارد که سرمایه اجتماعی از طریق افزایش تمایل به مشارکت در نهایت موجب بهبود وضعیت کالبدی محله می‌شود. مطمئناً بهبود کالبدی - محیطی محله موجب ارتقاء سطح پایداری و کیفیت زندگی می‌شود.

گفتنی است امکان مشارکت‌پذیری شهروندان در پروژه‌های نوسازی از طریق مدیریت‌های محله‌ای و هیأت امنایی، ارائه انواع تسهیلات و اعتبارات بانکی برای ساکنین محلات قدیمی و سنتی شهر در بازه‌های زمانی طولانی مدت و زمان تنفس در بازپرداخت اقساط بانکی، بهره‌گیری از سرمایه اجتماعی در قالب تعاملات و اعتماد محلی از طریق بزرگان، روحانیون و ریش‌سفیدان محلی در پیشگام بودن آنها در اجرای طرح‌های نوسازی و بهسازی، حداکثر رعایت الگوهای معماری بومی - محلی محلات قدیمی در فرآیند نوسازی و توسعه آتی آنها جهت حفظ حس مکان و تعلق مکانی افراد و خانوارهای ساکن در این محلات و غیره از جمله پیشنهادات قابل ذکر در قالب موضوع تحقیق حاضر است.

منابع و مآخذ:

- ادیب‌زاده، بهمن و عسگری تفرشی، حدیثه. حسینی، ابراهیم (۱۳۸۹)، مهندسی اجتماعی و نقش مشارکت مردمی در تحقق‌پذیری نوسازی در بافت‌های فرسوده شهری (نمونه موردی: محله نعمت‌آباد، منطقه ۱۹ تهران)، نشریه نامه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، شماره ۴، بهار و تابستان، صص: ۱۴۱-۱۵۸.
- امیرکافی، مهدی و فتحی، شکوفه (۱۳۹۰)، بررسی عوامل موثر بر دلبستگی به محله مسکونی (مطالعه موردی: شهر کرمان)، مجله مطالعات اجتماعی ایران، سال ۵، شماره ۱ (پیاپی ۱۳)، بهار، صص: ۵-۴۱.
- انصاری، مجتبی و پورجعفر، محمدرضا و صادقی، علی‌رضا و حقیقت‌بین، مهدی (۱۳۸۸)، بازشناسی انگاره‌های نظام بصری در محلات بافت فرسوده شهری (نمونه موردی: محله عباسی تهران)، نشریه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، شماره ۲، تابستان، صص: ۷۱-۹۱.
- آدینه‌وند، علی‌اصغر و حاجی‌زاده، مریم و قدمی، مصطفی (۱۳۹۲)، بررسی عملکرد شهرداری در چارچوب حکمرانی خوب شهری (نمونه موردی مطالعه: شهر بابلرس)، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۳۱، تابستان، صص: ۴۱-۶۴.
- بانی، رسول، قاسمی، وحید و عباس‌زاده، محمد (۱۳۸۸)، رابطه ابعاد مادی و غیرمادی رفاه اجتماعی با مشارکت شهروندان در امور شهری، فصلنامه علمی-پژوهشی رفاه اجتماعی، سال ۹، شماره ۳۲، صص: ۸۷-۱۰۴.
- پیربابایی، محمدتقی و سجاذزاده، حسن (۱۳۹۰)، تعلق جمعی به مکان، تحقق سکونت اجتماعی در محله سنتی، باغ نظر، شماره ۱۶، بهار، صص: ۱۷-۲۸.
- حیاتی، عقیل (۱۳۸۹)، ارزیابی مولفه‌های هویت بخش محلات شهری، پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- دوبران، اسماعیل و مشکینی، ابوالفضل و کاظمیان، غلامرضا و علی‌آبادی، زینب (۱۳۹۰)، بررسی مداخله در ساماندهی بافت‌های فرسوده و ناکارآمد شهری با رویکرد ترکیبی (نمونه موردی: محله زینبیه زنجان)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۲، شماره ۷، صص: ۷۱-۹۰.
- ذکاوی، محمدسعید، روشنفر، پیام (۱۳۸۵)، رابطه سرمایه اجتماعی و کیفیت زندگی در محلات شهری، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۳۲، صص: ۳۷-۱.
- ربانی، رسول و حبیبی، صدر (۱۳۹۰)، تحلیلی بر نقش فضاهای شهری در ایجاد سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی: شهرکرد)، فصلنامه مطالعات شهری، سال اول، شماره اول، زمستان، صص: ۱-۱۸.
- رضوی آل‌هاشم، بهزاد و آهنگر، اعظم (۱۳۸۷)، مشارکت در اجتماع مدنی با تاکید بر الگوی مدیریت مشارکتی در کلان‌شهرها، کتاب ماه علوم اجتماعی، شماره ۱۱، بهمن.
- رفیعیان، مجتبی و سیفایی، مهسا (۱۳۸۴)، فضاهای عمومی شهری؛ بازنگری و ارزیابی کیفی، فصلنامه هنرهای زیبا، شماره ۲۳، پائیز، صص: ۳۵-۴۲.
- رلف، ادوارد، مکان و حس لامکان (۱۳۹۰)، ترجمه جلال تبریزی، انتشارات سیمای دانش، تهران، چاپ اول.

- زنگنه، یعقوب، حسین آبادی، سعید، روشندل، تکتتم، و نی پور، رضا (۱۳۹۳)، تاثیر تعلق مکانی و سرمایه اجتماعی بر بهسازی مشارکتی محلات قدیمی (نمونه موردی: محله سرده سبزواری)، مجله پژوهش و برنامه‌ریزی شهری، دوره ۵، شماره ۱۹، زمستان ۱۳۹۳، صص: ۱۱۱-۱۲۸.
- زیاری، کرامت‌اله و نیک‌پی، وحید و حسینی، علی (۱۳۹۲)، سنجش میزان مشارکت شهروندان در مدیریت شهری بر اساس حکمرانی خوب شهری (مطالعه موردی: شهر یاسوج)، فصلنامه مسکن و محیط روستا، دوره ۳۲، شماره ۱۴۱، بهار، صص: ۶۹-۸۶.
- سجادزاده، حسن (۱۳۹۲)، نقش دلبستگی به مکان در هویت‌بخشی به میدان‌های شهری (نمونه موردی: میدان آرامگاه شهر همدان)، فصلنامه معماری و شهرسازی نظر، شماره ۲۵، سال ۱۰، تابستان، صص: ۶۹-۷۸.
- سرمست، بهرام و متوسلی، محمدمهدی (۱۳۸۹)، بررسی و تحلیل نقش مقیاس شهر در میزان حس تعلق به مکان (مطالعه موردی: شهر تهران)، دوفصلنامه مدیریت شهری، دوره ۸، شماره ۲۶، پائیز و زمستان، صص: ۱۳۳-۱۴۶.
- شکوه‌فر، فهیمه و شعبانجولا، الهه (۱۳۹۰)، بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه اقتصادی شهر (مطالعه موردی: شهر قزوین)، اولین کنفرانس اقتصاد شهری ایران، محل برگزاری: مشهد - دانشگاه فردوسی مشهد.
- شکوئی، حسین و تبریزی، جلال (۱۳۸۲)، تاثیر نوسازی شهری فن‌گرا بر ایجاد حس مکانی (مطالعه موردی: پروژه نواب)، مجله مدرس علوم انسانی، شماره ۷ (۲۹ پیاپی)، صص: ۱۴۱-۱۶۲.
- ضرابیان، فرناز و منعم، محمدرضا (۱۳۸۷)، بررسی میزان و عوامل تاثیرگذار بر حس مکان، مجله شهرداری‌ها، سال ۹، شماره ۸۹، صص: ۲۳-۲۸.
- عربی، عباس، انتظار یزدی، حسن‌رضا (۱۳۸۹)، بررسی شیوه‌های مداخله در بافت‌های فرسوده شهری و ارائه مدل بهینه مداخله، ماهنامه اطلاع‌رسانی، آموزشی، پژوهشی شوراها، شماره ۵۴، دی‌ماه.
- غیاثوند، الهام (۱۳۸۸)، تاثیر سرمایه اجتماعی بر کیفیت زندگی ساکنان محلات شهری، فصلنامه مهندس مشاور، شماره ۴۵، پائیز.
- فلاحت، محمصدق. (۱۳۸۵)، مفهوم حس مکان و عوامل شکل‌دهنده آن، نشریه هنرهای زیبا، دوره ۱، شماره ۲۶، صص: ۵۷-۶۶.
- فیلد، جان (۱۳۸۸)، سرمایه اجتماعی، ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رضانی، تهران: انتشارات کویر.
- مرادقلی، سکینه (۱۳۹۲)، برنامه‌ریزی راهبردی و نقش آن در بهسازی و نوسازی بافت‌های فرسوده شهری (نمونه موردی: زابل)، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد اسلامی زابل، گروه شهرسازی، ۷۹ صفحه‌ای.
- مهندسین مشاور خودآوند (۱۳۸۹)، طرح بهسازی بافت فرسوده گرگان، اداره مسکن و شهرسازی استان گلستان، معاونت عمران و برنامه‌ریزی، اطلاعات آرشیوی کتابخانه‌ای.
- میرزاعلی، محمد، جعفری، سیما، و کمالی، روح‌اله (۱۳۹۵)، پویاسازی بافت فرسوده شهری با رویکرد اصالت‌بخشی (مطالعه موردی: محله سرشور مشهد)، فصلنامه تحقیقات جدید در علوم انسانی، شماره ۱۶، صص: ۱۳۵-۱۵۸.
- میرزاعلی، محمد، محمدعلی خانی، خدیجه، و حسینی، نیلوفرسادات (۱۳۹۴)، بازآفرینی محور پیاده‌روها در بافت قدیمی گرگان (مطالعه موردی: محله دربندو گرگان)، همایش بین‌المللی معماری، عمران و شهرسازی از آغاز تا هزاره سوم، تهران، ۱۳۹۴.
- نادری‌بوانلو، محمد و پرتویی، پروین (۱۳۸۹)، تدوین الگوی محله محوری در مدیریت شهری با توجه به ویژگی‌های شهر مشهد، نشریه نامه معماری و شهرسازی، دانشگاه هنر، شماره ۵، پائیز و زمستان، صص: ۶۳-۸۰.
- ناطق پور، محمدجواد و فیروز آبادی، سیداحمد (۱۳۸۵)، شکل‌گیری سرمایه اجتماعی و فراتحلیل عوامل موثر بر آن، فصلنامه علوم اجتماعی، شماره ۲۸، پائیز، صص: ۱۶۰-۱۹۰.
- Brocato, Elisabeth D. (2006), PLACE ATTACHMENT: AN INVESTIGATION OF ENVIRONMENTS AND OUT COMES IN A SERVICE CONTEXT, Dissertation Proposal Presented to the Faculty of the Graduate School of The University of Texas at Arlington in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree of DOCTOR OF PHILOSOPHY (PhD).
- Kaltenborn, B. and Williams, D. (2002), The meaning of place: attachments to Femundsmarka National park, Norway, among tourists and locals, Norsk Geografisk Tidsskrift-Norwegian Journal of Geography, Vol.56, PP: 189-198.
- Lewicka, Maria (2008), Place attachment, place identity, and place memory: Restoring the forgotten city past, Journal of Environmental Psychology, Vol.28, PP: 209-231.
- Manzo, Lynne C. and Perkins, Douglas D. (2006), Finding Common Ground: The Importance of Place Attachment to Community Participation and Planning, Journal of Planning Literature, Vol.20, No.4. May 2006, PP: 335-350.
- Mihaylov, Nikolay and Perkins, Douglas D. (2013), Community Place Attachment and its Role in Social Capital Development, Publisher: Routledge.
- Payton, Michelle and Payton, Angela (2003), Influence of Place Attachment and Social Capital on Civic Action: A Study at Sherburne National Wildlife Refuge, master's thesis of Natural Resources Science and Management Program, University of Minnesota, June 2003.
- Perkins, Douglas D., Joseph Hughey, and Paul W. Speer (2002) Community psychology perspectives on social capital theory and community development practice. Journal of the Community Development Society, Vol.33, No.1, PP: 33-52.
- Putnam, R. D. (2000), Bowling Alone, The Collapse and Revival of American Community, New York: Palgrave Macmillan, 544 pages.
- Williams, Danie R., Patterson, Michael E. and Roggenbuck, Joseph W. (1992), Beyond the Community Metaphor, Examining Emotional and Symbolic Attachment to Place, Leisure Science, Vol.14, No.1, PP: 29-46.